

واقعا چرا؟

امسال نیز دیدن هلال ماه شوال تبدیل به مساله عمومی شد. اگر خاطرات مرحوم آقای هاشمی را مرور کنید، از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷ (آخرین سالی که تاکنون این خاطرات منتشر شده است) دیدن ماه شوال و اعلام عید فطر، تقریباً هر سال تبدیل به یک مساله شده بود، در حالی که این مساله برای ماه‌های دیگر وجود ندارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی روزنامه نگار در یادداشتی نوشت: امسال نیز دیدن هلال ماه شوال تبدیل به مساله عمومی شد. اگر خاطرات مرحوم آقای هاشمی را مرور کنید، از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۷ (آخرین سالی که تاکنون این خاطرات منتشر شده است) دیدن ماه شوال و اعلام عید فطر، تقریباً هر سال تبدیل به یک مساله شده بود، در حالی که این مساله برای ماه‌های دیگر وجود ندارد. این پرسش مطرح است که واقعا چرا؟ بیا بید به صد سال پیش برویم.

پیش از اختراع تلگراف و ارتباطات جدید، مردم چه کار می‌کردند؟ مردم هر شهر و روستایی در زمان غروب آفتاب به آسمان نگاه می‌کردند، اگر ماه را می‌دیدند، فردا را عید می‌گرفتند، اگر نه، یک روز دیگر هم روزه می‌گرفتند. شاید در یک روستا یا شهر هوا ابری بود و نمی‌دیدند و روستا یا شهر دیگر ماه را می‌دیدند، هر کدام به وظیفه خود عمل می‌کردند و روز اول ماه شوال برای این دو منطقه متفاوت بود، چون مطابق شرع دیدن هلال ماه امری موضوعی است.

اگر من ماه را ببینم، بر من واجب است که روز بعد افطار کنم و اگر شما اطمینانی به ادعای من نداشته باشید، واجب است روزه بگیرید. در حالی که در واقعیت بیرونی یکی از این دو درست است و نه هر دو. پس مساله واقعیت بیرونی نیست، بلکه اطمینان مکلف است.

جالب اینکه تعطیلات رسمی در ایران عموماً بر اساس تقویم قمری است و همه تعطیلات بر اساس محاسبات موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران مندرج در تقویم رسمی عمل می‌شود جز مورد خاص عید فطر. تا به حال نشده که عاشورا را تغییر دهند یا اگر هم بوده چنان نادر است که به یاد نداریم. ماجرا چیست؟ چه اهمیتی دارد؟ اصولاً چه فرقی دارد که ماه ۲۹ روز باشد یا ۳۰ روز؟ آیا اصولاً شرع درگیر چنین مسائلی است؟ یا آنقدر انجام تکالیف را سخت و پیچیده و طاقت‌فرسا می‌کند که پس از ۴۳ سال و در قرن ۲۱ هنوز نتوانیم ماجرای به این سادگی را حل کنیم؟ آیا اصولاً دیدن ماه مساله‌ای شرعی است؟ اصل موضوع شرعی و مستلزم فتواست. ولی دیدن یا ندیدن آن موضوعی خارجی و مصداقی است و به مکلف برمی‌گردد. به نظر می‌رسد که بر اساس شرع که آن نیز تأیید رفتار عادی مردم جوامع گذشته بوده، دیدن ماه با چشم عادی منظور است، چون قبلاً وسیله دیگری نبود و اصولاً نیازی هم به نوع دیگری از دیدن هم نیست.

فقط دو نکته می‌ماند؛ اول اینکه اکنون امکان دیده شدن ماه با چشم عادی قابل محاسبه است و علم نجوم پاسخ قطعی می‌دهد که در یک منطقه جغرافیایی معین، ماه چه زمانی قابل دیده شدن است و نیازی به این همه هزینه‌های اضافی و تجهیزات ندارد. اگر هم با چشم دیده نشود، ناشی از غلظت هوا یا ابری بودن و امثال آن است.

نکته دوم اینکه محدوده جغرافیایی تعمیم رویت ماه برای اعلام عید تا کجاها صادق است؟ در قدیم چنین مشکلی نبود، زیرا به همان مکان دیده شده تعمیم می‌دادند، چون امکان اطلاع‌رسانی سریع میان مناطق وجود نداشت. اکنون چنین نیست، دنیا یکپارچه و به قول معروف برخط یا آنلاین شده است.

برای این پرسش فقها می‌توانند فتوا دهند، البته به علل گوناگون و به لحاظ اداری و اجرایی و به‌طور رسمی باید فتوای فقیه حاکم در عمل اجرا شود. تعیین مصداق آن نیز به عهده نهاد علمی مرتبط با نجوم است. شاید بتوان گفت که مبنای فتوا برای تعمیم منطقه جغرافیایی نیز باید بر اساس پدیده جدید سیاست یعنی واحد جغرافیایی ملی یا کشوری باشد و اگر در یک نقطه از کشور امکان دیده شدن ماه باشد، آن را برای همه کشور منظور کنند. این کار نیز فقط از طریق محاسبات دانشمندان به دست می‌آید.

آنان به راحتی نشان می‌دهند که به لحاظ علمی آیا در هیچ نقطه‌ای از این سرزمین، امکان دیده شدن ماه با چشم غیرمسلح وجود دارد یا خیر؟ علم نجوم و همه علوم دیگر محصول اراده خداوند است و چیزی غیر از این نیست و دلیلی ندارد به شیوه‌هایی متوسل شد که در مراحل پیش از علم رایج بوده است. این شکل‌گرایی و اخباری‌گری بی‌ثمر و حتی زیان‌بار که دین را از محتوای خودش خالی می‌کند و به امور شکلی می‌پردازد، به زیان دینداری است.

مگر اوقات طلوع آفتاب یا اذان صبح و مغرب و ماه‌های دیگر سال را جز از طریق این علم تعیین می‌کنید؟ دیدن ماه شوال چه فرقی با این موارد دارد؟ دنیا در حال فرستادن تجهیزات برای رصد کهکشان‌ها به فاصله ده‌ها میلیون کیلومتر آن سوی زمین است، حتی اندازه گرفته‌اند که ماه هر سال حدود ۴ سانتی‌متر از زمین دور می‌شود، آنگاه در اینجا اندر خم این هستیم که ماه را با دوربین در قله کوه‌ها و در ۱۵۰ نقطه کشور ببینیم!!

تازه شهادت زنان هم در دیدن ماه اعتبار ندارد. این هیچ فرقی ندارد با اینکه امروز برای سفر به چین به جای هواپیما، قاطر و شتر سوار شویم. هنگامی

که مساله‌ای به این سادگی را نتوان حل کرد چگونه انتظار باید داشت که موضوعات بسیار مهم‌تر و پیچیده مثل اقتصاد و سیاست را حل کرد؟ واقعاً چرا؟

منبع: روزنامه اعتماد